

# نمایش قدرت یا نمایش ضعف

تصویر نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در فیلم‌های سینمایی

محمد آغاسی | m.aghasi@panjeherweekly.com

از دیرباز که انسان‌ها در جوامع بدوی در کنار هم می‌زیستند تا امروز که با تسلیحات پیشرفته نظامی و سیستم‌های دفاعی روبه‌رو هستیم، امنیت چه در بعد روانی و چه در بعد فیزیکی، یکی از دغدغه‌های همیشگی و جدی بوده است. از دیرگسوی دنیای امروز سراسر احساس است، نه به معنای ملو بودن و عاطفه و محبت بلکه مردم بیش از آن که به واقعیت و حقیقت اهمیت داده و بدان‌ها بنگرند، به آن چه حس می‌کنند، بها می‌دهند. دیگر به‌جای فقیر بودن، خوشبخت بودن، امنیت داشتن باید از احساس فقر، نترسادی آن افزوده شده است.

علاوه بر تمام این عوامل، وجوه نترسادی از عوامل اجرائی و فیزیکی مانند پلیس قاضی، اسلحه، حفاظت فیزیکی و... بود. امروزه قبیل مشورتی نظام سیاسی، یکپارچگی

اجتماعی، توان تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مدیریت قوی اقتصادی و توسعه، امور فرهنگی، اطلاعاتی... حرف اول را در مباحث امنیتی می‌زند. مفهوم امنیت امروز بسیار فراتر از یک گروه و محله قرار گرفته است. تضمین امنیت ملی یک کشور هم ناظر بر امنیت سیستم حکومتی و کارکرد درست نهادهای «دفاعی - امنیتی» در کشور است که در گرو فراهم آوردن امنیت اجتماعی است. یکی از مؤلفه‌های دیگر دنیای امروز بروز و حضور رسانه‌هاست. رسانه‌هایی که بر زندگی روزمره مردم، بر ساختار جامعه و ماهیت فرهنگ اثر می‌گذارد. رسانه‌های با بهر احوال نظر و نگاه مخاطب خویش را تغییر می‌دهند. این در حالی است که بر اعتقاد «کوبن ویلیامز» ما به مدد رسانه‌هاست که ما ارزش‌ها و باورها و هنجارهای جامعه خود آشنا می‌شویم و هویت خود را می‌شناسیم.

(درک تئوری رسانه، صفحه ۹) رسانه‌ها هر چند در واقعیت هستند و حضور دارند، اما نه می‌توانند و نه همیشه می‌خواهند که واقعیت را بی‌کم و کاست به مخاطب خویش ارائه دهند. از این‌رو مطالعه دائمی رسانه‌ها کمک می‌کند تا اگر در جایی خطا و خطایی پیش آمده، اصلاح شود. حال که امنیت و نهادهای امنیتی در یک جامعه اهمیت دارد و رسانه‌ها، به‌خصوص رسانه‌های فراگیر و مؤثر همچون سینما، که مسئولیت چپ‌دهی افکار اجتماعی را بر عهده دارند، چگونه آن را برای مخاطب خود به تصویر می‌کشند؟ پیش از پاسخ به این سؤال ذکر یک نکته ضروری است. درست پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم کشور ما با موج ترویج رویه‌رو شدند. پایگاه اطلاع‌رسانی هایلیان، اسامی بیش از ۱۷ هزار نفر از هم وطنان‌مان را که قربانی ترور از سوی گروه‌های مختلف ضدانقلاب شده‌اند منتشر کرده است. یک چنین فضای و نیز تحمیل جنگ هشت ساله و تداوم عداوت‌ها و کینه‌ها، برای جامعه ما نظام امنیتی - اطلاعاتی قوی می‌طلبید. در پی پاسخ پیش گفته، چندین محور تصویری در فیلم‌های معدودی که از نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران تصویری را منعکس کرده‌اند، می‌توان احصاء کرد.

## ناموفق بودن مأموریت محوله

«به رنگ ارغوان» ابراهیم حاتمی‌کیا نخستین فیلمی است که تصویری از حضور مأموران امنیتی جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت. «شفق» یکی از عوامل گروهبان‌های سیاسی که اوایل انقلاب اسلامی با به پا کردن آشوب از کشور گریخته‌اند، پس از سال‌ها تصمیم می‌گیرد برای دین‌دخترش «ارغوان» که دانشجوی دانشکده جنگل‌داری است، مخفیانه به ایران بازگردد. یکی از مأمورین امنیتی به نام «هوشنگ ستاری» با نام مستعار «شهاب» به‌عنوان دانشجوی وارد دانشکده شده و از تمامی امکانات مدرن امنیتی استفاده می‌کند تا با کنترل ارغوان، شفق را به دام اندازد. از طرف دیگر همکاران سیاسی شفق نیز تصمیم دارند او را ترور



نمایی از فیلم گزارش یک جشن



نمایی از فیلم نفوذی

کنند تا به‌دست مأمورین امنیتی نیفتد. مأمور اطلاعاتی - امنیتی عاشق ارغوان شده و از این‌جا به بعد است که در مأموریت او خلل ایجاد می‌شود. او بین انتخاب مسیر زندگی خودش و یا انجام وظیفه، مردد می‌شود و در فضایی مه‌آلود زندگی خودش را در پیش می‌گیرد. تمامی رحمت‌هایی که کشیده و همه امکاناتی که برای او فراهم شده، این‌گونه از بین می‌رود. یک مقایسه ساده با فیلم‌های خارجی تفاوت میان زمین تا آسمان را روشن می‌کند. در فیلم‌های هالیوودی و به‌عنوان نمونه «روز استقلال» و «۲۰۱۲» بالاترین مقام یک کشور هم در حادثه‌ترین لحظات زندگی، کار را بر زندگی و ملت و وطن را بر خود ترجیح می‌دهد، چه برسد به مأموران فدرال و FBI که همه چیز خویش را برای آرمان‌ها می‌دهند. اساسا یک آمیختگی ویژه میان زندگی و کار آن‌ها در فیلم مشاهده می‌شود. این در حالی است که یک مأمور ما در این فیلم از عهده

یک مأموریت ساده بر نمی‌آید و عشق را (که احتمالاً برای ما ایرانیان خیلی مقدس است) بر وظیفه ترجیح می‌دهد. در اشاره به طرح است. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که پس از «به رنگ ارغوان» حاتمی‌کیا، این دوچین‌باری بود که تصویری از فعالیت‌های امنیتی جمهوری اسلامی در آزادسازی سر می‌گردد و بی‌شک مرور تجربیات‌مان از خالی از لطف نخواهد بود. دوم آن که معمولاً آن‌ها با دقت ویژه و توجه همه‌جانبه به ساخت فیلم‌ها و بی‌آوردن تا قدرت تأثیرگذاری آن‌ها چندین برابری شود. این عدم موفقیت در انجام وظایف محوله در فیلم‌های دیگر هم دیده می‌شود.

## عدم تشخیص به هنگام و به‌موقع

در فیلم «نفوذی» ما با تصویر متفاوتی از نهادهای اطلاعاتی روبه‌رو هستیم. فریبون کیفار، پس از ۲۰ سال اسارت در میهن بازمی‌گردد که بلافاصله در مرز ایران و عراق توسط وزارت اطلاعات دستگیر می‌شود،

زیرا در مورد او اتهام سنگین همکاری با باغی‌ها و مجاهدین خلق در زمان اسارت مطرح است. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که پس از «به رنگ ارغوان» حاتمی‌کیا، این دوچین‌باری بود که تصویری از فعالیت‌های امنیتی جمهوری اسلامی در آزادسازی سر می‌گردد و بی‌شک مرور تجربیات‌مان از خالی از لطف نخواهد بود. دوم آن که معمولاً آن‌ها با دقت ویژه و توجه همه‌جانبه به ساخت فیلم‌ها و بی‌آوردن تا قدرت تأثیرگذاری آن‌ها چندین برابری شود. این عدم موفقیت در انجام وظایف محوله در فیلم‌های دیگر هم دیده می‌شود.

تصاویر در ذهنش نقش می‌یندد. آیا وزارت اطلاعات ما به‌قدری ضعیف است که طی ۲۰ سال نتوانسته بفهمد که یک نفر نفوذی بوده؟ او هم در این سطح ساده و

یک نفر هم خودش را فرد مخلص جازده و شروع کرده به فعالیت‌های اقتصادی، در صورتی که عضو گروهک منافقین بوده؟ این نمایش قدرت یا نمایش ضعف؟ اگر تعدد فیلم‌ها را در این حوزه شاهد بودیم، این قدر موشکافی احتیاج نبود. حتی اگر سیاست واحدی در پی ساخت چنین فیلم‌هایی بود هم می‌توانستیم با کل شش‌هزار پانچت را به‌طور ویژه به هم می‌ریزد و پس از خسارت‌های فراوان،



نمایی از فیلم پایان نامه



نمایی از پشت صحنه فیلم به رنگ ارغوان

مردمان دنیای امروز بیش از آن که امنیت را درک کنند در پی آن هستند که حسی از آن داشته باشند و گسترده شدن فضای مجازی در طول و عرض زندگی مردم، بر این امر دامن زده است

شخصیتی یک قهرمان بسازد و این یعنی، فرد بهتر از سازمان می‌فهمد و به تبع بهتر از آن عمل می‌کند، و خلاصه این‌که در سازمان‌های اطلاعاتی ما یک فرد می‌تواند بر احوال نظر مافوق خود عمل کند. آیا این تصاویر مناسبتی است که برای جامعه ساخته می‌شود؟ بمقصد که در این فیلم وزارت اطلاعات به‌خاطر چهار جوان کل شش‌هزار پانچت را به‌طور ویژه به هم می‌ریزد و پس از خسارت‌های فراوان،

فیلم‌سازان ما با یک نگاه همه‌جانبه باید بتوانند این موارد را به تصویر بکشند. آن‌که با هر داستانی که صرفاً مضمون نوبی دارد را تبدیل به فیلم سینمایی کنند. انتظار می‌رود در چنین فیلم‌هایی «قدرت» نظام سیاسی و نیز دستگاه‌های اطلاعاتی - امنیتی به نمایش درآید. نه، به تصویر کشیدن کوچک‌ترین ضعف (با تأکید بر کمبود تولیدات) پذیرفتنی نیست.

## خودسر بودن و عدم اطاعت از مافوق

«پایان‌نامه» را شاید بتوان تنها فیلمی دانست که به‌طور آشکار از وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران نام می‌برد و صحنه‌های از عملیات آن‌سار را به نمایش می‌گذارد. چهار دانشجو (دو دختر و دو پسر) برای رساندن پایان‌نامه به استاد خود، به‌طور ناخوسته در گیر ماجرای امنیتی پیچیده می‌شوند. این داستان پس از انتخابات سال ۸۸ اتفاق می‌افتد و تلاش دارد برخی از زوایای پنهان آن زمان را به‌صورت نمادین آشکار کند. به اعتقاد نویسنده اگر چند نما از فیلم حذف شود، دیگر رنگ و بوی سال ۸۸ هم در این فیلم دیده نمی‌شود. اما نکته جالب این‌جاست که مأمور وزارت اطلاعات در این فیلم چگونه تصویر شده است؟ او همیشه یک قدم از مجرم دیرتر می‌رسد از ناحیه او به‌شدت رو دست می‌خورد و محل اختفایش او به طرف او مورد هجوم مسلحانه قرار می‌گیرد. نکته جالب این‌جاست که او علی‌رغم دستور مافوق (حتی اگر اشتباه باشد) عمل کرده و در طی این کار، دو نفر از دانشجویان که او به‌خاطر حفاظت از آن‌ها دست به این کار زده، از بین می‌روند. روند خودسری و عدم اطاعت

از مافوق که فیلم به نمایش می‌گذارد، ذهن مخاطب را به‌سمت فیلم‌های دفاع مقدسی پیش می‌برد که در آن‌جا نیز سبجی‌های به‌اصطلاح بی‌ترمز بهتر از فرامنده عمل می‌کردند. روند ماجراهای پایان‌نامه هم به این سمت پیش می‌رود که از چنین

مردمان دنیای امروز بیش از آن که امنیت را درک کنند در پی آن هستند که حسی از آن داشته باشند و گسترده شدن فضای مجازی در طول و عرض زندگی مردم، بر این امر دامن زده است

شخصیتی یک قهرمان بسازد و این یعنی، فرد بهتر از سازمان می‌فهمد و به تبع بهتر از آن عمل می‌کند، و خلاصه این‌که در سازمان‌های اطلاعاتی ما یک فرد می‌تواند بر احوال نظر مافوق خود عمل کند. آیا این تصاویر مناسبتی است که برای جامعه ساخته می‌شود؟ بمقصد که در این فیلم وزارت اطلاعات به‌خاطر چهار جوان کل شش‌هزار پانچت را به‌طور ویژه به هم می‌ریزد و پس از خسارت‌های فراوان،

به مدد رسانه‌هاست که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه آشنا می‌شویم

از جمله کشته شدن دو نفر که برای نجات آن‌ها اقدام کرده بود و صرف زمان طولانی، طی یک اتفاق مجرم از بین می‌رود. در فیلم «گزارش یک جشن» ابراهیم حاتمی‌کیا هم ما با مأمور نیروی انتظامی روبه‌رو هستیم که تلاش می‌کند کار اطلاعاتی انجام بدهد. شاید حاتمی‌کیا که از محققان قدیمی فیلش خوف داشته این‌سار به‌جای یک مأمور اطلاعاتی از چنین شخصیتی استفاده کرده است. جالب این‌جاست که این مأمور نهاد امنیتی هم خودرأی و خودسر عمل می‌کند. نیروی انتظامی طبق شکایات واصله و تحقیقات انجام شده موظف به پلمب مؤسسه شده و تمام داستان فیلم در کش و قوس تعطیلی و عدم تعطیلی می‌گذرد. مواجهه سرگرد با سرهنگ مافوق می‌شویم که می‌گوید: «هن موافق نیستم این جمعیت رو توی خیابون بریزم، این چیزی بود که شما خواستید.» و از همین جهت است که در انجام حکم تعلل می‌کند. در این‌جا قضاوت بر سر درستی و یا نادرستی رفتار نیروی انتظامی نیست، نکته‌ای که در این‌جا نهفته آن است که مأمور مافوق سرپیچی می‌کند. با این ترتیب اساسا ما با نهادهای امنیتی در تصاویر سینمایی مواجه نیستیم. بیش از نهادهای افراد هستند که اهمیت یافته‌اند.

## مأموریت در مقابل مردم و نه برای مردم

یکی از عوامل شکل‌گیری نهادهای امنیتی - اطلاعاتی حفاظت از مجموعه مردم یک کشور است. در حقیقت کار آن‌ها برای مردم است. حال ببینیم که چه تصویری در سینما در این مورد داریم. در به رنگ ارغوان، این‌گونه تصویر می‌شود که مأمور حافظ امنیت درست برخلاف اعتراض‌های منطقی در برابر از بین رفتن محیط زیست قرار می‌گیرد درست مانند گزارش یک جشن که مجموعه کسنلی که در برابر فضایی که برای مجموعه کسنلی که در موزه بناو جمع شده بودند حرکت می‌کند. آن‌ها گمان می‌کنند که راه درست و منطقی را طی می‌کنند و این مجموعه نظام است که آن‌ها به مخالفت بر می‌خیزد و به محدودیت با آن‌ها می‌اندیشد. حرکتی نظامی و آسینخته باقوه قهریه در برابر حرکتی فرهنگی مکل گرفته که خود مزید علت شده است. خانواده «فری کافر» در فیلم نفوذی هم به‌شدت تحت فشار اطرافیان

برخی و زمدگان هستند ولی مأمورین وزارت اطلاعات، همچنان روند کاری خود را طی می‌کنند و حمایتی از سوی آنان برای خانواده دیده نمی‌شود. ببینند چه تصمیمی می‌تواند بگیرد؟ آن‌ها نمی‌دانند که خانواده تحت فشار است یا بنا نندازند کاری انجام دهند؟ در پایان نامه هم همین‌گونه که گفته شد، با توجه به کشته شدن دو نفر از چهار نفر بیشتر به‌نظر می‌رسد مأموریت در برابر مردم باشد تا برای مردم. این‌طور نیست؟! \*